



رئیس قوه قضائیه:

هیچ گونه ناسلامتی در دستگاه قضائی قابل قبول نیست

گروه سیاست: رئیس قوه قضائیه در ادامه سفرهای استانی خود، اواخر هفته گذشته به استان یزد سفر کرد و در مجموع صحبت‌های خود در این استان بر نکاتی مانند مبارزه با فساد درون سیستمی و مقابله با قضات فاسد و همچنین مبارزه با مفسدان اقتصادی...

صفحه ۶

شنبه ۵ بهمن ۱۳۹۸ - ۲۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ - ۲۵ ژانویه ۲۰۲۰

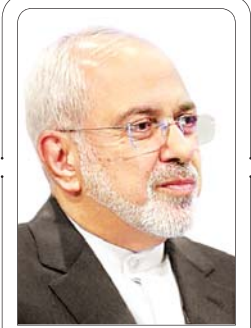


از استقبال عربستان سعودی تا تویت عربی ظریف

تهران و ریاض به میز مذاکره نزدیک می‌شوند

گروه دیپلماسی: نشانه‌های حرکت ایران و عربستان به سمت کاهش تنش‌ها، از میان خطوط به متن مواضع رسیده است. در روزهای اخیر، مواضع مقامات ایران، عربستان و برخی کشورهای منطقه حاکی از جدی‌تر شدن احتمال شکل‌گیری ...

صفحه ۱۵



سال هفدهم - شماره ۳۶۳۲ - ۱۶ صفحه - ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

پیشنهاد پویش مردمی برای اعتمادسازی

ناصر ذاکری - پژوهشگر



بی‌تردید یکی از ارزشمندترین دارایی‌های هر جامعه‌ای اعتماد عامه مردم به صاحب‌منصبان و متولیان امور است. در سایه چنین اعتمادی نعمت بزرگ همراهی مردم با دولت و حمایت سرسختانه آنان از سیاست‌های بلندمدت توسعه کشور محقق می‌شود. در چند دهه گذشته رفتار رانت‌جویانه برخی صاحب‌منصبان و بی‌مالائی مالی برخی دیگر موجب شده است که اعتماد مردم به‌تدریج کاهش یابد. از سوی دیگر برخی بی‌تدبیری‌ها بر فاصله بین مردم و مسئولان افزوده؛ به‌گونه‌ای که گویی آنان جمعی بسیار متفاوت با عموم مردم و شهروندان هستند و به‌اصطلاح شهروندان درجه‌یک تلقی می‌شوند.

در مقدمه لایحه مدیریت تعارض منافع که چندی پیش از طرف دولت تهیه و به مجلس ارسال شده است، به‌گونه‌ای به این حقیقت تلخ توجه شده است: آنجا که یکی از اهداف تدوین لایحه را افزایش اعتماد عمومی به مقامات اعلام می‌کند؛ اما آیا تدوین یک یا حتی چندین لایحه از این نوع، هرچند در جای خود اقدامی ارزشمند است و می‌تواند خسارت ناشی از شلیک‌های متعدد به اعتماد عمومی را جبران کند؟

نارسایی قوانین و رویه‌های اداری و اجرایی در چند دهه گذشته موجب شده گروهی از افراد فرصت‌طلب با سوءاستفاده از جایگاه، به کسب امتیازات مادی و اندوختن ثروت برای خود و نزدیکانشان اقدام کنند و با تداوم این رویه نادرست، به‌تدریج قبح آن در اذهان فروریخته و درصد بیشتری از آنان کم‌وبیش آلوده آن شده‌اند. از سوی دیگر، نگاه منفی مسئولان به رسانه‌ها و بی‌اعتمادی به اصحاب رسانه موجب شده محدودیت فراوانی پیش‌روی رسانه‌هایی که با هدف مقابله با فساد اقدام به افشاکاری می‌کنند، گذاشته شود. این امر حاشیه امنی برای فرصت‌طلبان ایجاد کرده که بدون نگرانی از برخورد قانونی نهادهای نظارتی و دور از چشم مردم و افکار عمومی بر ثروت و مکتنت خود بیفزایند.

نتیجه این امر همان‌گونه که ذکر شد، شکل‌گیری طبقه ممتاز مدیران و بی‌اعتمادی روزافزون عامه مردم به مدیران ارشد و از سوی دیگر قدرت گرفتن رسانه‌های بیگانه و غیررسمی و بی‌اعتباری هرچه بیشتر رسانه‌های قانون‌مدار داخلی است که در نهایت به گسست و بحران‌های اجتماعی منتهی می‌شود.

اشخاص و نهادهای دلسوز جامعه که نگران آینده هستند، برای مقابله با فساد و رانت‌خواری فرصت‌طلبان متنفذ و دفاع از حیثیت مدیران و مسئولان خدم و پادکست دو راه پیش‌روی خود دارند: راه اول این است که با کشف و شناسایی خلایق قانونی که موجب تشویق رانت‌خواران شده است، مسئولان را متوجه این کاستی کرده و موجبات شروع بازنگری در قوانین و رویه‌ها را به‌گونه‌ای فراهم کنند که از یک سو تمام دروازه‌های حمله فساد بسته شده و فرصت رانت‌خواری از مفسدان گرفته شود و از سوی دیگر با اصلاح قوانین موقعیت امنی برای اصحاب رسانه فراهم آورند که بدون نگرانی از برخورد قانونی سختگیرانه به کار افشاکاری و ارتقای اطلاعات مردم و محدودکردن رانت‌خواران بپردازند. همان‌گونه که در کشورهای موفق در میدان مبارزه با فساد نه‌فقط روزنامه‌نگاران نگران عواقب اطلاع‌رسانی نیستند؛ بلکه به خاطر افشاکاری خود پاداش هم می‌گیرند.

ادامه در صفحه ۲



صفحه ۲

در گزارش اختصاصی «شرق»

رایزنی‌های پشت پرده عارف

یک تیر و دونشان قالیباف

نگاه هفته

تاریک و روشن توقف پخش زنده چند برنامه

می‌شود و آن را از حالت تبلیغ یا «پروپاگاندا» خارج می‌کند. این رمزی طلایی است که می‌تواند مخاطبان انبوه را از چهار گوشه میهن فرا بخواند تا با یک برنامه زنده، همراه و همدم شوند. یک مدیر گروه تلویزیونی با پخش زنده یک برنامه، مخاطراتی برای خود می‌خرد که اگر بی‌تجربگی کند، سبب‌ساز اشتباهات فاحشی می‌شود و چه بسا لحظاتی از برنامه می‌تواند ساخت آرام و پاک یک جامعه را ملتهب کند. اکنون هم مانند گذشته نیست که فقط چند نفر برنامه را مشاهده کنند و برای دیگران تعریف کنند که چه اتفاقی را شاهد بودند؛ بلکه با رشد فناوری رسانه‌ای، بازپخش و تکثیر تکه‌های یک برنامه یا واقعه‌ای اجتماعی به‌راحتی در شبکه‌های اجتماعی ممکن شده و همین امر به‌مثابه یک «دره‌بین» می‌تواند بخش اعتراضی یک برنامه زنده را تشدید کند و حتی در معرض دید مادر بزرگ‌های بی‌خبر از احوال کنونی اجتماع قرار دهد و آنها را هم درگیر ماجرا کند. در واقع اقشار مختلف سنی جامعه در این‌گونه موارد داوران صادقی هستند که سکوت در برابر آن یا عزم محدودکردن این موج عظیم فکری، کاری نابخردانه است.

باز هم یک پرسش مطرح می‌شود که این بیماری رسانه‌ای چگونه خود را نشان می‌دهد؟ در پاسخ باید ساده گفت وقتی که تهیه‌کننده بخواد بدون رعایت قواعد پذیرفته‌شده، به سمتی برود که فقط امیال شخصی مدیران خود را برآورده کند، خشت اول برنامه‌سازی را کج نهاده است. منظور از امیال، مقاصدی است که یک دستگاه بخواد از طریق آن، حقیقتی مسلم و اجتماعی را بپوشاند. درحالی‌که وظیفه مدیران سازمانی این است که به‌جای آن امیال

آخر طی شود، هرگز نمی‌تواند نکته ناگواری باشد. مدیر روابط عمومی معاونت سیما درباره این قضیه پیش‌آمده در پخش چند برنامه زنده، واکنش نشان داد و در گفت‌وگو با یکی از خبرگزاری‌ها، اصطلاحی با عنوان «بازمهندسی» به کار برد. این مسئول رسانه‌ای اعلام کرد مدیران شبکه‌های سیما لازم است در برنامه‌هایی که منطق پخش زنده ندارند، بازنگری مجدد کنند. او گفت که تهیه‌کنندگان شایسته است رویکرد چالشی برای ارتقای این‌گونه برنامه‌ها اتخاذ کنند تا به نقد هدف که «منصفانه» باشد، دست یابند. این فکر جامع، طراحی جدیدی می‌طلبد تا بینندگان بیشتری از صاحبان افکار گوناگون، جذب تلویزیون بشوند. نکته‌هایی که او طرح کرده، البته در عمل و نه‌فقط گفتار، با موازین یک برنامه زنده مطابقت دارد؛ اما بهتر است مطلب بازتر شود. باید پرسید که مگر برای پخش زنده یک برنامه چه چیزهایی باید رعایت کرد؟ نکته‌هایی آکادمیک تعریف شده که می‌توان آنها را برشمرد؛ مثل تعامل «لحظه‌ای» با مخاطبان، بازخورد و تعامل سریع با مخاطبان برنامه در حال پخش و هم‌زمانی برنامه با وقوع رخداد‌های جامعه که موضوع برنامه قرار گرفته؛ ازجمله مواردی است که باید در نظر گرفت تا کالبد برنامه زنده به بار بنشیند؛ اما از همه مهم‌تر آن است که عناصر دعوت‌شده به این «تاک شو» یا میزگرد کارشناسی، باید نماینده واقعی افکار یا احزابی باشند که در جامعه حضور قوی و تأثیرگذار دارند و گاهی هم صاحبان آن افکار ممکن است رویه‌روی هم بایستند و برخورد فکری با هم داشته باشند. فقط در صورت رعایت این رویه برنامه‌های زنده خود را آغاز کند. این روند اگر تا به

هفته گذشته اعلام شد که چند برنامه تلویزیونی مانند تریا، جهان‌آرا و عصرانه از حالت پخش زنده خارج شده‌اند. شاید هم کار تا آنجا پیش رفته باشد که به تعطیلی برخی از آن برنامه‌ها بینجامد. آیا این تصمیم در محدوده اختیارات سازمان صورت گرفته یا آنکه فراسازمانی بوده؟ البته خبری هم پخش شد که نماینده رئیس‌جمهوری در رسانه ملی گفته دولت در زنده یا ضبطی‌بودن و پخش‌کردن یا نکردن برنامه‌ها هیچ دخالتی نداشته است و فقط بر اصول حرفه‌ای برنامه‌سازی متوازن، رعایت بی‌طرفی، انصاف، عینیت و شفافیت تأکید داشته است. این نظر، پس از آن بود که عده‌ای در فضای مجازی، فشار دولت را پشت پرده این تصمیمات قلمداد کردند. پیش از آنکه به پاسخ مسئولان امر پرداخته شود، باید گفت که نمی‌توان هرگونه سختگیری رسانه‌ای را با شتاب‌زدگی مردود دانست یا برخی قوا بخواهند دامن خویش را از آن میرا کنند؛ بلکه باید مسئله طرح‌شده را با چشم‌های باز بررسی کرد. با این پیش‌فرض که اگر یک برنامه تلویزیونی بخواد در روند اجرایی خود از شیوه علمی و استاندارد خود تخطی کند، شاید بیراه نباشد که مستوجب اخطاری سازمانی قرار گیرد تا پس از رفع خطاهای پیش‌آمده و عادت‌شده بار دیگر در مسیر صحیح برنامه‌سازی قرار گیرد و دوره جدیدی از پخش برنامه‌های زنده خود را آغاز کند. این روند اگر تا به



محمدجواد لسانی
پژوهشگر

حرف اول

پنس و نتانیاهو نعل وارونه می‌زنند

هارون پشاییبی



مایک پنس، وزیر دفاع آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل روز پنجشنبه به مراسم یادبود هولوکاست، راکارانه حکومت و ملت ایران را متهم به یهودی‌ستیزی کرده و رسانه‌های آنها بارها آن را تکرار کرده‌اند. شواهد تاریخی گواه بر آن است که نژادپرستی و در شکل آشکار آن یهودی‌ستیزی بخشی از فرهنگ سلطه‌گر غرب است و نسبت‌دادن آن به دیگران، جعل حقایق و پنهان‌کردن خود زیر شعارهای عوام‌فریبانه و در اصطلاح رایج بین مردم ما «نعل وارونه زدن است». در روزنامه «شرق» ۱۱ دی‌ماه در همین ستون گوشه‌هایی از تجاوز نژادپرستانه به کنیسه‌ها و محل زندگی یهودیان که ذکر تاریخ آنها را یادآور شدم که در شهرهای مختلف آمریکا پیش آمده بود و رسانه‌های آمریکا مجبور به انتشار آن شدند؛ این‌که دارودسته ترامپ سعی کردند این وقایع را به گروه‌های افراطی مسلمان نسبت دهند، همان روزها بعضی از نشریات و محافل بی‌طرف در آمریکا، از اقدامات «کوکلاس کلان» گروه نژادپرستان سفیدپوست که سابقه‌ای طولانی در حلق آویزکردن سیاه‌پوستان و یهودیان در آمریکا دارند، پرده برداشتند و همین گروه نژادپرست هسته مرکزی کردهایی‌های انتخاباتی دونالد ترامپ بوده و هستند و مورد تشویق ترامپ قرار گرفته‌اند. در سال‌های اخیر سرریلندکردن نئوفاشیست‌ها در شهرهای مختلف اروپا کاملاً آشکار است و نژادپرستان با در دست داشتن پرچم برای صلیب شکسته نازی‌ها، علیه یهودیان و مهاجران رنگین‌پوست شعار می‌دهند.

با اینکه دولتمردان اروپایی در کنفرانس جهانی «داووس» هفته گذشته، ترس از فعالیت‌های گسترده گروه‌های نژادپرست را در کشور خود کتمان می‌کنند، مایک پنس و نتانیاهو سعی می‌کنند با فرافکنی و عوام‌فریبی بیم جهان را از دوباره به صحنه آمدن فاشیست‌ها لا‌پوشانی کنند و آن را بی‌اهمیت جلوه دهند. سال‌هاست که من یهودی در مرکز زندگی یهودیان ایران قرار دارم و در جواب اتهام دروغین یهودی‌ستیزی در ایران موردی را بیان می‌کنم که جوابگوی بدخواهان ملت ایران خواهد بود. پیداست به دلیل تبلیغات دائمی علیه حکومت و ملت ایران که در غرب شایع است، هر جهانگردی که به ایران می‌آید، مایل است از مراکز زندگی و تجمع یهودیان ایران بازدید کند.

ادامه در صفحه ۲

